

ضمان خسارات وارده بر عرض و جان از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه

حمید کاویانی فرد*، نسرین کریمی**، معصومه توده خرمن***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۵)

چکیده

موضوع ضمان خسارات وارد بر عرض و جان انسانها از جمله مباحث پرچالشی است که در قوانین حقوقی و فقه امامیه به لزوم آن تصریح گردیده است، ولی چگونگی جبران و نحوه ارزیابی آن تعیین نشده است. در فقه امامیه و حقوق موضوعه، راهکارهایی برای جبران خسارت معنوی در نظر گرفته شده است، اما معیار شخصی در باب شیوه های جبران خسارت معنوی ارائه نشده است. در فقه امامیه، جبران خسارت معنوی با استناد به دلایل خود، قابل پذیرش و توجیه بوده و منشأ بسیاری از احکام عبادی و بخصوص قاعده لاضرر واقع شده است. علاوه بر قاعده لاضرر دلیل دیگر بر امکان جبران خسارت معنوی، پیش بینی دیه در مورد صدمات جسمانی منجر به خسارت معنوی می باشد. در نظام حقوقی موضوعه ایران نیز، خسارت معنوی، قابل جبران است. در ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱ و ۲ و ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی، امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی مورد تأیید قرار گرفته است.

کلیدواژگان

جان، خسارت، ضمان، عرض.

* نویسنده مسئول: استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: hamid.kaviani.fard@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

مقدمه

در عرصه جهان بینی اسلامی و بخصوص در فقه امامیه، به انسان، به عنوان موجودی مسئول نگریسته می شود. دستورات و قواعد فقهی و حقوقی در اسلام، برای تحقق بخشیدن به این آرمان بزرگ است که هیچکس نباید بر دیگری زیان برساند، و چنین تحقق نیازمند بالا بردن روحیه مسئولیت پذیری افراد جامعه نسبت به آثار و نتایج حاصله از اقدامات سوء خود در قبال یکدیگر است. همانگونه که حقوق باید اموال اشخاص را از تعرضات و تجاوزات حفظ نماید، باید قواعدی الزام آور داشته باشد تا حیثیت و عرض و احساسات افراد را حفظ نماید. خواه در رابطه با خسارت بر عرض فرد از باب لطمات احساسی و اعتباری و حیثیتی باشد و خواه در رابطه با خسارت بر جان که بازهم سوای خسارت جانی ای که می بیند، و متعاقب آن خسارتهای روحی و احساسی و غیرمادی هم می بیند، باشد.

موضوع خسارت معنوی، از جمله مباحث پرچالشی است که در اصول و قوانین کنونی و همچنین فقه امامیه، به لزوم آن تصریح گردیده است، اما چگونگی جبران و نحوه ارزیابی آن تعیین نشده است. در قوانین حقوقی و فقه امامیه، راهکارهایی برای جبران خسارت معنوی ای که متعاقب خسارت به جان و یا عرض و آبروی کسی وارد می آید، در نظر گرفته شده است. اما معیار مشخصی در باب شیوه های جبران آن ارائه نشده است. از این رو موضوع ضرورت و امکان جبران ضرر معنوی، موجب بروز بحثهای زیادی بین علمای حقوق و فقه گردیده است چرا که در شرایط کنونی، دیگر تحمل ضرر، منحصر به موردی نیست که شخص نفع مادی را از دست می دهد، بلکه لطمه های روحی، آسیبهای روانی و خسارات معنوی هم اهمیت زیادی یافته است. جواز جبران خسارت معنوی را در فقه امامیه می شود بر طبق قاعده لاضرر استنباط کرد (موسوی بجنوردی سید محمد، ۱۳۷۹: ۱۸۰). اما در نظام حقوقی ایران براساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی، جواز جبران خسارت معنوی ثابت است.

مفاهیم ضمان

معنای لغوی ضمان: التزام به پرداخت مالی است که در نگهداری و یا ادای آن سهل انگاری شده و پذیرفتن خسارتی که بر اموال دیگران وارد شده است (بجنوردی، ۱۳۷۹: ۱۵۰).

ضمان در لغت معانی مختلفی دارد که یکی از آنها به معنی تضمین چیزی یا شیء ای از سوی شخص است. و نیز به معنای ملتزم شدن و التزام هم گفته اند. ضمانتُ الشیء یعنی ملتزم به آن چیز شدم (ادریس عوض، ۱۳۷۲: ۳۳) شیخ انصاری می نویسد «الضمان کونُ الشیء فی عهدِهِ الضامن و خسارَتُهُ علیه» ضمان بودن چیزی در عهده ضامن و خسارتش بر اوست.

در عرف نیز، به استقرار و ثبوت چیزی در عالم اعتبار، به عهده ضامن، ضمان، گفته می شود. برخی آنرا (ادخال الشیء فی العهده) دانسته اند. (ابن بابویه، ۱۴۱۱: ۲۴)

گاه بعضی از فقها کوشیده اند آنرا چنین تعریف کنند: «ضمان در اصطلاح فقها یعنی مسئولیت به طوری که در مسئولیت ارتکاب عملی است که موجب مؤاخذه و بازخواست فاعل آن گردد» در جایی که ضمان را به عنوان مسئولیت مدنی به کار می گیرند، بعضی از فقها آنرا چنین تعریف کرده اند که «تاوان دادن بر چیز تلف شده است». ضمان در قانون مدنی ناظر به مسئولیت مدنی است، در مقابل مسئولیت کیفری که در حقوق جزا مورد بحث قرار می گیرد. به هر تقدیر ضمان در فقه اسلامی و مسئولیت مدنی در قانون وضعی بر یک معنی دلالت دارد که عبارت است از «ملتزم شدن کسی به جبران کردن ضرری که خود مسبب وارد آمدن آن ضرر بر دیگری بوده است (ادریس عوض، دیه: ۳۳-۳۴)

از آن جایی که در حقوق ما دیگر تحمل ضرر، منحصر به فردی نیست که شخص، نفع مادی را از دست می دهد لطمه های روحی، اهمیت زیادی پیدا نموده و انسانها در مقابل لطمات معنوی، آسیب پذیر گردیده اند. آسیبی که گاه نمود بیرونی ندارد ولی از درون به انسان آزار می رساند. وانگهی مسئولیت در جبران صدمه های اخلاقی و روحی، وسیله حقوقی مناسبی برای حمایت از شخصیت انسان و حقوق مربوط به آن است. به همین جهت، امروز بحثها درباره لزوم جبران خسارت معنوی پایان یافته و جز معدودی از نظامهای حقوقی، اندیشمندان و قانون گذاران به اتفاق رسیده اند که ضرر معنوی مانند خسارات مادی جبران گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵۵)

متعلقات مادی و متعلقات غیرمادی انسان اگرچه باهم دوبعد آدمی را تشکیل می دهند ولی از لحاظ ماهیت، آنچنان باهم تفاوت دارند که گویی دو دنیای متفاوتند و هر کدام معیارهای خاص

خود را دارند، این موضوع باعث شده که برخی معتقد شوند که زیان معنوی، قابل جبران نیست و جز در برخی موارد، بشر توان جبران خسارت معنوی را ندارد (پروین، ۱۳۸۲: ۱۷۶)

از نظر این عده، مشکلی که وجود دارد این است که ضررهای معنوی را نمی‌توان با پول جبران کرد و آنچه از دست رفته است با پول جبران نمی‌شود. به عنوان مثال بر علیه شخصی اکاذیبی، و تهمت‌هایی ناروا، در جراید یا فضا‌های مجازی منتشر می‌شود و همگان این اکاذیب را در جراید و فضا‌های مجازی، می‌خوانند و می‌بینند و می‌شنوند، حتی اگر بعداً این هتک حیثیت‌ها، برای اعاده شرف و آبروی آن فرد خسارت دیده، در همان جراید و غیره تکذیب هم بشود، آیا حیثیت و اعتبار آن فرد به حالت اولیه قبل از هتک حیثیت بر می‌گردد؟

نظریه مخالفان خسارت معنوی

برخی از حقوق‌دانان با ماهیت موضوع خسارت معنوی موافق نیستند.

دیدگاه مخالفان از جنبه نظری

از لحاظ نظری امکان جبران زیانهای معنوی وجود ندارد. چرا که نوعی خسارت غیر مالی و نامحسوس است و هیچ ارتباط و سنخیتی با امور مادی ندارد تا بتوان آنرا ارزش گذاری و جبران مالی نمود. چگونه ممکن است درد جانکاه مادری که عزیز خود را از دست داده یا حیثیت انسان آبرومند و شریفی که بر باد رفته و رنج شخصی که در اثر فلج شدن در ناراحتی دائمی به سر می‌برد و یا افسردگی دختری که هتک حیثیت شده و دهها نمونه از این قبیل صدمات را در یک کفه ترازو گذاشت و در کفه دیگر آن مقدار معین پول برای جبران و تعادل آن قرار داد. پس پرداخت پول نمی‌تواند خسارت معنوی را جبران، یا اثر آن را از بین ببرد و یا موجب فراموشی آن شود، چراکه این دو دارای دو ماهیت جداگانه هستند. از سوی دیگر وسیله دیگری نیز برای جبران این نوع خسارت، در اختیار نیست (اژدری، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

دیدگاه مخالفان از جنبه فنی

مخالفان معتقدند که از نظر فنی، تعیین غرامت به وسیله قاضی، فوق العاده، دقیق و دشوار است.

درواقع از آنجا که زیان وارد شده جنبه مادی ندارد، دادرس نمی تواند میزان آن را تعیین و خطاکار را به جبران آن محکوم سازد. پس دادرس ناچار است، میزان خسارت را با درجه تقصیر بسنجد. و خطا هرچه سنگین تر باشد، حکم به جبران خسارت نیز فزونتر بشود: یعنی پولی که به عنوان جبران ضرر و تامین وضع زیان دیده بایستی پرداخته شود، به صورت نوعی غرامت و کیفر کار مقصر درآید. امری که با هدف قواعد مسئولیت کیفری منافات دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵۷)

دیدگاه مخالفان از جنبه اخلاقی

مخالفان معتقدند، از لحاظ اخلاقی، پرداخت پول برای صدمه وارد بر حیثیت و شخصیت فرد و یا صدمه بر احساسات و عواطف یا تألمات روحی امری کاملاً ناپسند و غیراخلاقی است و جبران حیثیت با پول و امر مادی، توهین به شخصیت بشری محسوب می گردد (اژدری، ۱۳۸۷: ۱۱۰)

نظریه موافقان خسارت معنوی

عده ای از حقوقدانان موافق جبران خسارت معنوی می باشند و معتقدند که:

الف) گاهی دادن مبلغی پول به زیان دیده، تقریباً همه ضرر معنوی را جبران می کند مثلاً شخصی که تناسب چهره اش را بر اثر تصادف از دست داده است با جراحی پلاستیک می تواند به حالت قبل برگردد. ضمن اینکه هر کجا هم پول نتواند ضرر معنوی را جبران کند، می تواند باعث کاستن آلام وی و بالا بردن توان مصدوم و در ترمیم آثار آن موثر باشد بنابراین هدف از خسارت معنوی این است که وسیله ای معادل در اختیار زیان دیده قرار گیرد تا هم او را خشنود سازد و هم حتی الامکان جایگزین مال از دست رفته باشد (نخجیری، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

ب) از طرفی جبران خسارت به معنای زدودن همه آثار خسارت نیست. همان گونه که با پول می توان در امور مادی، معادلی برای مال تلف شده پیدا کند، تامین خرسندیهای معنوی نیز امکان دارد و این خرسندی ها قادر نیست اندوه و تاسف عاطفی را از بین ببرد ولی از آلام و صدمه های روحی کم می کند (صفائی، ۱۳۵۵: ۲۴۰)

ج) در نظر نگرفتن خسارت معنوی که چه بسا مهمتر از خسارتهای مادی است (چرا که بعضی

مواقع، بحث شخصیت و کرامت و حیثیت وی مطرح است) دور از اخلاق و شأن جامعه است. چگونه ممکن است بتوان خسارت ریختن آبروی شخص را بدون جبران باقی گذارد.

(د) این بهانه که خسارت معنوی، قابل جبران با پول نیست و میزان آن مشخص نیست و ضابطه مشخصی در ارزیابی آن وجود ندارد، نمی تواند سبب عدم جبران خسارت معنوی زیان دیده گردد. دادگاه می تواند براساس نظر کارشناسی و یا تعرفه های رسمی و اوضاع و شرایط وقوع حادثه، بحث ارزیابی را حل نموده و به جبران خسارت معنوی، حکم فرماید. از طرفی جبران خسارت معنوی، همیشه با دادن پول نیست، بلکه دادگاه می تواند برحسب اوضاع و احوال، یک شیوه خاص برای جبران خسارت انتخاب کند. فرضاً اگر شخصی در خصوص فردی یا مقامی، اکاذیبی از طریق روزنامه منتشر نماید، دادگاه در جبران خسارت معنوی می تواند شخص را وادار نماید از طرق روزنامه، معذرت خواهی کند و اقرار نماید که مطالب گفته شده در فلان تاریخ، در فلان روزنامه، کذب محض است و به این طریق سبب تشفی خاطر زیان دیده گردد (نخجیری، ۱۳۸۸: ۱۰۳)

بررسی فقهی رابطه لطمه به عرض و خسارت معنوی

حقوق و سرمایه های معنوی همواره مورد توجه بشر بوده است در اندیشه دینی، هتک حرمت انسان توسط خود او یا دیگری به منزله هتک حرمت الهی تلقی می شود. چرا که حرمت او بالاتر از مهمترین حرمت های الهی یعنی بیت الله الحرام دانسته شده است. بنابراین شناسایی حرمت و کرامت انسان، ا یجاب می کند که حقوق و منافع معنوی وی مورد حمایت قرار گیرد.

در تعالیم اخلاقی اسلام، مفاهیمی چون غیبت، تهمت، استهزاء و... مبین عنایت حفظ حرمت انسان و برخورد با متجاوز حقوق معنوی او است (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: چ ۱)

تعریف ضرر معنوی دشوار است زیرا هم مفهوم ضرر و هم مفهوم معنویت از مفاهیم عامه و بدیهی هستند که با ضوابط منطقی قابل تحلیل نیستند. در تعاریفی که فقها از مفهوم مطلق ضرر ارائه داده اند، به برخی از اقسام ضررهای معنوی اشاره شده است به عنوان مثال، میرزا حسن

بجنوردی، ورود هر گونه نقص به آبرو، جان و هر بعدی از ابعاد وجودی شخصیت انسان را جزو مصادیق ضرر محسوب کرده است (بجنوردی، ۱۳۷۹: ۴۳)

میرفتاح مراغه ای اگرچه در مباحث قاعده لاضرر، بحث مستقلی در مورد ضرر معنوی طرح نکرده است اما آسیبهایی را که به جسم انسان و آبروی فرد وارد می شود، از انواع مفهوم هر فعلی اعم از جرح و قطع که باعث ایجاد ضرر می شود برشمرده است. ایشان اظهار می دارد «هر نقص ظاهری در بدن یا در منافع و در شکل متعارف بدن انسان ایجاد شود، زیان شمرده می شود». وی علاوه بر اینکه، خسارت مالی را شامل وارد کردن نقص به جسم انسان، می داند، هر عملی که باعث درد غیرطبیعی در بدن انسان شود و تعرض به حیثیت او شود را نیز از مصادیق ضرر محسوب نموده است (زین العابدین، ۱۳۸۶: چ ۱)

بررسی حقوقی رابطه لطمه به عرض و خسارت معنوی

جعفری لنگرودی در این زمینه می نویسد: «ضرری که به عرض، شرف و حیثیت متضرر یا یکی از اقارب او وارد می شود، همچون افشای راز بیمار، ضرر معنوی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸ ش، ۴۱۶)

برخی از حقوقدانان برآنند: تعریف زیان معنوی دشوار است و می توان گفت، صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی مانند احساس درد جسمی و رنجهای روحی، از بین رفتن آبرو، حیثیت و آزادی، ضرر معنوی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶ ش، ۱۴۴)

در تعریفی دیگر گفته شده: خسارت معنوی، زبانی است که به حیثیت، آبرو یا عواطف واحساسات اشخاص وارد شده باشد. تجاوز به حقوق غیر مالی انسان و لطمه زدن به احساسات دوستی، خانوادگی، مذهبی و درد و رنجی که در اثر حادثه ای ایجاد می شود نیز خسارت معنوی است و این موارد، امروزه می تواند مجوز مطالبه خسارت معنوی باشد (صفائی، ۱۳۵۵: ۲۴۰)

همچنین آورده شده: ضرری که به مال شخص وارد نمی شود بلکه ضرری است که در مقابل ضرر مادی است و به مصالح غیر مالی شخصی وارد می آید (السیوری، ۱۴۰۴: ج ۲)

آشوری می گوید: خسارت معنوی، ضرر و زیان وارد شده به شرف، حیثیت و آبرو، آزادی، معتقدات مذهبی، هیات، زیبایی، احساسات است (انصاریان، ۱۳۸۴: ج ۳)

مصادیقی از خسارات وارده بر عرض از منظر فقه

در اینجا به نمونه‌ها و مصادیقی می پردازیم که در شرع مقدس و فقه، نسبت به آنها نهی صورت گرفته است و مرتکب این اعمال گناهکار و مجرم، دانسته شده است.

به عنوان مثال در تجسس و تفتیش: قرآن کریم، کتاب آسمانی و جاودانه ما در چندین مورد به ممنوعیت تجسس و تفتیش در امور دیگران تصریح کرده است. خداوند متعال فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثمٌ، و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً و...» (حجرات/ ۱۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری گمانها درباره دیگران بپرهیزید، برآستی که برخی از گمانها گناه است. درباره همدیگر جستجو و کنجکاوی نکنید و...»

مولای متقیان علی (ع) می فرمایند: «پی جویی و کنجکاوی نسبت به اسرار و امور پنهانی مردم از بدترین گناهان است» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۲، ۳۱۸)

همچنین آن حضرت فرموده اند: «هر کس درباره اسرار و امور پنهانی دیگران جستجو و گفتگو کند، خداوند نیز اسرار او را برای دیگران فاش خواهد فرمود» (همان، ج ۵: ۸۷۹۹)

در این راستا، ایسنا، نظر آیات عظام را با طرح و سوال در این خصوص خواستار شده است که در ذیل به سوالات و پایین مراجع عظام می پردازیم.

سوال: تجسس و تفتیش در امور شخصی و حریم خصوصی افراد چه حکمی دارد؟ فردی را به اتهام تخلفی بازداشت و زندانی کنند و به خاطر تخلف، اقدام به تفتیش منزل وی کنند، آیا جایز است دوباره مسائل دیگر زندگی او اقدام به جمع آوری مدرک و تفتیش منزل وی کنند؟

پاسخها: آیت الله نوری همدانی پاسخ دادند: در فرض مساله جایز نیست. آیت الله موسوی اردبیلی پاسخ داده اند: تجسس و تفتیش در حریم خصوصی افراد و انتشار و نتیجه آن جایز نیست مگر به حکم قاضی واجد شرایط شرعی قضاوت و با اکتفا به امور مرتبط با جرم و نهایت احتیاط در اصل حکم و خصوصیات آن و مرحله اجرا که بی جهت اسرار مردم فاش نشده و آبروی آنها

نریزد. «عرض المؤمن کَدْمِه» (آبروی مومن مانند خون اوست). آیت الله بهجت چنین نظر داده اند: جایز نیست به عنوان اولی. آیت الله مظاهری پاسخ داده اند: تجسس و تفتیش در امور دیگران از گناهان بزرگ در اسلام است.

درمورد خسارات بر عرض دیگران به مصادیق دیگری در فقه و شرع به طور اجمالی اشاراتی می کنیم به عنوان مثال، بحث ورود به منازل بدون اذن است که مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۷ سوره نور می فرمایند: مثلاً با یا الله گفتن یا سرفه کردن و مانند آن، صاحبخانه را خیر کند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۰۹)

ممنوعیت های دیگری در شرع اسلام آمده است از قبیل ممنوعیت استراق سمع - ممنوعیت بدگمانی - ممنوعیت غیبت اشاعه فحشا و هتک ستر - ممنوعیت سب و هجو و قذف و غیره که تمامی این اعمال توسط مرتکبین آن مذموم و منفور شمرده شده و هر یک دارای مجازات مخصوص خود می باشند.

مصادیقی از خسارات وارده بر عرض از منظر حقوق موضوعه

بعد از بررسی فقهی مصادیقی که از نظر شرع مقدس و منحصر فقه امامیه، گناه بار هستند و هر کس آن اعمال را در جهت ریختن حیثیت و آبروی افراد ایجاد کند، مستوجب کیفر و مجازات و حدود خاص آن خواهد شد، متعاقب آن بررسی، لازم است بررسی دیگری هم در رابطه با مصادیقی که از نظر حقوق موضوعه و قانون در رابطه با هتک حیثیت و آبرو و عرض و شرف مردم، جرم محسوب می گردد، صحبت نمائیم.

به قسمتی از این مصادیق اشاره می کنیم: از قبیل توهین، استفاده از مطبوعات و یا رایانه جهت توهین و ریختن عرض افراد، افترا، افشای اسرار حرفه ای، مزاحمت تلفنی، هتک حرمت منزل اشخاص، افشای اسرار حرفه ای و بسیاری دیگر....

توهین

به عنوان مثال در رابطه با توهین اگر بخواهیم اشاره ای به آن داشته باشیم، این جرم در ماده ۶۰۸

قانون تعزیرات، مصوب سال ۱۳۷۵ پیش بینی شده است که مقرر می‌دارد توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حدّ قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. این جرم در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به عنوان یک جرم قابل گذشت شناخته شده است که طبق تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی، شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است (میر صادقی، ۱۳۹۴: ۴۷۹).

هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی

از مستخدمین و مامورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده، مفتوح یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس، از یک تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد (فیض، ۱۳۸۴: چ ۱۳).

بررسی خسارات وارده بر جان

بحث از جبران خسارات ناشی از صدمات جانی در دو بخش مجزا قابل بررسی می‌باشد: از طرفی، خسارات معنوی و غیرمالی از جمله ناراحتی تحمل صدمه و دردهای ناشی از آن، محرومیت موقت یا دائم از عضو، کسر زیبایی، عدم توانایی پرداختن به تفریحات و ورزش که قابل اندازه‌گیری مادی و پولی نیستند و لذا جایگزینی آن عملاً غیرممکن است. به همین دلیل نظامهایی که جبران این خسارات معنوی را مد نظر قرار داده‌اند، حکم به پرداخت مبلغی از این بابت را نه به عنوان جبران خسارت بلکه تشفی خاطر مصدوم لحاظ کرده‌اند. از طرف دیگر، خسارات مادی و اقتصادی که در پی صدمات جانی ایجاد می‌گردد، قرار دارد. این خسارات شامل هزینه درمان تلف منفعت کاری و از کارافتادگی، هزینه‌های استخدام دیگری برای مراقبت و پرستاری دائم یا موقت از زیان دیده بوده و طبیعتی کاملاً مادی و پولی دارند و کسر دارایی محسوب می‌شوند و لذا قابل اندازه‌گیری و جایگزینی با پول می‌باشد (بروجردی، ۱۳۸۰: ۹۱).

خسارت معنوی (غیر مالی) ناشی از صدمات جانی

یکی از مشکلاتی که نظام نوین مسئولیت مدنی با آن روبروست برآورد خسارت معنوی (غیر مالی) ناشی از صدمات جانی است. در برخی نظامها پس از احراز این خسارات معنوی و غیر مالی، تعیین میزان آنرا به نظر قاضی سپرده اند. در شرایطی، تعیین مبالغ حصین و ثابت براساس نوع صدمات جانی وارده برای جبران خسارات غیر مالی امری مطلوب و بسیار شایسته به نظر می رسد. در این منظر، تامین دیه می تواند از جمله نقش معادل مادی خسارات غیر اقتصادی ناشی از خسارات جانی را به خوبی ایفا کند (کریمی نیا، ۱۳۷۹: ۱۰۲)

ارش چیست؟

نکته قابل تذکری که در مورد رابطه ارش و دیه قابل ذکر است. در مواردی که علاوه بر دیه تعیین شده، خسارت جسمانی دیگری به مصدوم وارد شده باشد، به نظر می توان علاوه بر حکم بر دیه، ارش، در مورد خسارات جانی اضافی را نیز مطالبه نمود. به خصوص در موردی که در پی شکستگی یا جراحت عضوی، محدودیت حرکتی و از کارافتادگی نسبی برای عضو ایجاد می شود، علاوه بر دیه، حکم به پرداخت ارش نیز صادر می شود.

بحث دیه در فقه امامیه

در حقوق اسلام ارزیابی آسیب های جسمی براساس موارد مذکور در دیه قتل، صورت می پذیرد از برخی روایات استفاده می شود که مقادیر دیات با مقایسه و ارزیابی صحیح، با یکدیگر و مقایسه آنها با ارزش شتر محاسبه می شد (مرعشی، ۱۳۷۳: ۱۵۳).

بحث دیه در حقوق موضوعه

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی به تبعیت از فقه امامیه برای برخی از منافع معنوی دیه را مقرر کرده است. مثلا در ماده ۴۴۴ قانون مجازات اسلامی، برای هر جنایتی که موجب زوال عقل شود دیه کاملی پیش بینی شده است و اگر موجب نقصان آن شود، ارش مقرر گردیده است. تنها مانعی

که در راه پذیرش این خسارت وجود دارد شبهه پوشش آن توسط دیه تعیین شده می باشد (فروغیان، ۱۳۸۷: ۷۴).

مسئله جبران خسارات مازاد بر دیه

جبران این خسارات نزد قضات دادگاه های عمومی تهران و قبلا برای قضات دادگاه های کیفری دو تهران مطرح شده و اکثریت ایشان نظر به قابلیت مطالبه مبالغ مازاد بر دیه داده اند. در واقع پاسخ اکثر قضات، تجویز پرداخت هزینه درمان به عنوان مازاد بر دیه بوده است، بدین نحو که اگر دیه تعیین شده، کفاف هزینه های درمان صدمه جسمانی را ندهد، هزینه مازاد بر دیه، قابل پرداخت خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

خسارت از کارافتادگی دائم و موقت در پوشش جبران خسارات مازاد بر دیه

صدمات جانی، نوعا موجب از کارافتادگی موقت در طول درمان و استراحت پزشکی می شود. علیرغم آنکه خسارات از کارافتادگی از لحاظ اقتصادی و قابلیت تقویم بودن با خسارت هزینه درمان مشترک است. هزینه های درمان، ارتباطی با حرفه زیان دیده ندارد. در صورتی که خسارت از کارافتادگی کاملا وابسته به نوع فعالیت و حرفه زیان دیده و قراردادهایی که منعقد نموده که بواسطه تحمل خسارت جانی از دست داده است (کریمی نیا، ۱۳۷۹: ۱۰۷).

قابلیت جبران خسارات از کارافتادگی

حکم قابلیت جبران خسارات از کارافتادگی و تقویت قوای کاری در حقوق ایران در هاله ای از ابهام قرار دارد. ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ به صراحت خسارات ناشی از کاهش قوه کار زیان دیده را قابل جبران اعلام نموده است. دیوانعالی کشور در رایبی اصراری، خسارت تقویت قوای کاری ناشی ایراد ضرب عمدی منتهی به شکستگی استخوان را قابل جبران اعلام نموده است (قیاسی، ۱۳۷۷: ۶۹).

اداره حقوق دادگستری نیز خسارات مالی علاوه بر دیه را قابل جبران می داند. اکثریت قضات

دادگاه های استان تهران نیز به قابلیت جبران خسارات ناشی از معطل ماندن از کار، در صورتی که شخص اجیر دیگری باشد، نظر داده اند. (حسینی نژاد، ۱۳۷۱: ۸۱).

نتیجه

موضوع خسارت غیر مالی از جمله مباحث پرچالشی است که در قوانین کنونی به لزوم آن تصریح گردیده است. ولی اختلاف نظر بین فقها و حقوقدانان، مدت‌هاست پابرجا مانده است. بنابراین مباحث ارائه شده، دیه می تواند به بهترین وجه در مقابل خسارات معنوی (غیر مالی) ناشی از خسارات جانی لحاظ شود. به این نحو که دیه، تمامی خسارات معنوی ناشی از صدمه بدنی را دربرمی گیرد و نمی توان علاوه بر مبلغ تعیین شده مبلغی را به عنوان خسارت معنوی تقاضا نمود. با توجه به وجود نهاد دیه و نظرات فقها در مورد ماهیت فراگیر آن، به سختی می توان پذیرفت که جانی مکلف باشد علاوه بر دیه، از عهده جبران خسارت از کارافتادگی زیان دیده نیز برآید. از این رو موضوع ضرورت و امکان جبران ضرر معنوی، موجب بروز بحث های زیادی بین علمای حقوق گردیده است. چرا که در شرایط زندگی کنونی، دیگر تحمل ضرر منحصر به موردی نیست که شخصی، نفع مادی را از دست می دهد، بلکه لطمه های روحی و خسارات معنوی هم اهمیت زیادی یافته است. البته گاه در فقه اسلامی، بعضی اعمال که موجب خدشه و لطمه بر حیثیت اشخاص می شود مثل قذف یا تهمت، دارای عواقب کیفری است. بدیهی است که این ضمانت اجراها می تواند دلالت بر توجه دین اسلام بر ضرر و جبران معنوی آن باشد. همچنین در مواردی که سکوت شرعی وجود دارد، فقها به سیره و بنای عقلاء استناد می کنند. پس روش های موجود، مخالف با احکام و مبانی شرعی نمی باشند. بنابراین پذیرش جبران مالی و انواع جبرانهای غیر مالی به منظور ترمیم ضرر معنوی در فقه اسلامی قابل توجیه و دفاع است.

منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه، محمد (۱۴۰۱)، من لا یحضره الفقیه، به کوشش حسن موسوی خراسان، بیروت.
۲. ادريس عوض، احمد (۱۳۷۲)، دیه، ترجمه علیرضا فیض، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۳. اژدری، حسن (۱۳۸۷)، خسارت معنوی در نظام قضایی ایران و حقوق بین المللی، انتشارات کوشامهر.
۴. اژدری، حسن (۱۳۸۷)، خسارت معنوی در نظام قضایی ایران، چاپ انتشارات ققنوس.
۵. امام زین العابدین، علی بن الحسین (۱۳۸۶)، رساله حقوق، انتشارات حضور، چاپ سوم.
۶. انصاریان، حسین، شرح دعای کمیل، انتشارات دارالعرفان، چاپ سوم.
۷. بجنوردی، سید محمد حسن (۱۳۷۹)، قواعد فقه، تهران، نشر عروج، چاپ سوم.
۸. بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۹. پروین، فرهاد (۱۳۸۲)، خسارت معنوی در حقوق ایران، چاپ و انتشارات ققنوس.
۱۰. تمیمی واحدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۴۲)، ترجمه غرر الحکم و درر الکلم، جلد اول.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش.
۱۲. حسینی نژاد، حسینعلی (۱۳۷۱)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: جهاددانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. السیوری، عبدالله، التنقیح الرائع، جلد دوم، قم: نشر چاپخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
۱۴. صفایی، سید حسن، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، انتشارات مرکز تحقیقات.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳)، تفسیر المیزان، جلد ۱۵، موسسه اعلمی، چاپ سوم، بیروت.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، موجبات ضمان، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۷. فروغیان، مریم (۱۳۸۷)، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی.

۱۸. فیض، علیرضا (۱۳۸۴)، مبادی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم
۱۹. قیاسی، جلال الدین (۱۳۷۷)، تسبیب در قوانین کیفری، تهران: انتشارات دیدار.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، حقوق مدنی در عقود معین ۴، تهران: انتشارات مدرس، چاپ دوم.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد ضمان فہری مسئولیت مدنی غصب و استیفاء، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۷۹)، مسئولیت دولت ها در قبال خسارت های معنوی، مجله معرفت شماره ۳۸.
۲۳. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۷۹)، مسئولیت دولت ها در قبال خسارت های معنوی، مجله معرفت شماره ۳۸.
۲۴. مرعشی، محمد حسن (۱۳۷۳)، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلامی، تهران: نشر میزان.
۲۵. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، جرایم علیه اشخاص، چاپ ۲۰، نشر میزان.
۲۶. ننجیری، حسین (۱۳۸۸)، دعوای خصوصی در دادگاه جزا، پایان نامه دکتری جزا.